حدیث دهم؛ وسواس

مُحَمَّدُ بْنُ یَحْییٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ سِنَانٍ، قَالَ: **ذَکَرْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللّٰهِ رَجُلًا مُبْتَلًی بِالْوُضُوءِ وَ الصَّلَاةِ، وَ قُلْتُ: هُوَ رَجُلٌ عَاقِلٌ، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللّٰهِ: «وَ أَیُّ عَقْلٍ لَهُ وَ هُوَ یُطِیعُ الشَّیْطَانَ؟» فَقُلْتُ لَهُ: وَ کَیْفَ یُطِیعُ الشَّیْطَانَ؟ فَقَالَ: «سَلْهُ: هٰذَا الَّذِی یَأْتِیهِ مِنْ أَیِّ شَیْءٍ هُوَ؟ فَإِنَّهُ یَقُولُ لَکَ: مِنْ عَمَلِ الشَّیْطَانِ».**

عبدالله بن سنان روایت می‌کند: نزد امام صادقاز مردی سخن گفتم که به وسواس در وضو و نماز مبتلا بود و گفتم: او مردی عاقل است. امام صادقفرمودند: «چه عقلی دارد، درحالی‌که از شیطان اطاعت می‌کند؟» پرسیدم: چگونه از شیطان اطاعت می‌کند؟ امامفرمودند: «از او بپرس این حالتی که به او دست می‌دهد از کجاست؟ بی‌تردید به تو خواهد گفت: این کار شیطان است.»

مباحث پیشرو

* فرد وسواس از شیطان تبعیت می‌کند.
* وسوسه و وسواس دلیل بی‌عقلی است.
* وسوسه، کار شیطان است.
* شیطان، مرکز مخابره امواج منفی بوده و هدفش هم بازدارندگی است.

امیرالمؤمنین می‌فرماید: **«...وَ اجْتَالَتْهُمُ الشَّیَاطِینُ عَنْ مَعْرِفَتِهِ وَ اقْتَطَعَتْهُمْ عَنْ عِبَادَتِهِ؛** شیطان در برابر آدم در حال حرکت است تا جلوی شناخت خدا و عبادت خداوند را بگیرد.» (نهج‌البلاغه/خ 1)

کسی که از شیطان تبعیت می‌کند از وجود عقل محروم می‌شود.

منشأ وسواس، ضعف و ناتوانی عقل است.

گستره وسواس

**الف) در عقاید:** ایجاد شک و تردید در مسائل اعتقادی ...

**ب) در تکالیف:** آیا وضو صحیح بود، ...

**ج) شک در روحیات:** شک در نظافت، شک در خریدوفروش و سایر تصمیم‌گیری‌ها.

هدف از وسواس

هدف اصلی وسوسه، دورکردن شخص در تمام حوزه‌ها و مسائلی که به آن‌ها نیاز دارد. به طور مثال در حوزه عبادات، عبادت را برای او سخت می‌کند تا او را از آن اعمال دور کند و یا اینکه با این وسواس سبب دوری دیگران شود.

ریشه وسواس

1. **عقل:** شخص وسواس، تکلیفش را به‌درستی نفهمیده و به‌خوبی در دستورات الهی تفکر نکرده است.
2. **عزلت و درون‌گرایی:** شخصی که از اجتماع دور است بیشتر به وسواس دچار می‌شود.
3. **ضعف اراده.**

درمان وسواس

1. **کسب معرفت صحیح:** درصورتی‌که شناخت او کافی و کامل باشد به سمت وسواس نمی‌رود.
2. **برون‌گرایی مثبت و مجالست با صالحان:** موعظه بزرگان و مشقتی که در ارتباط با دیگران در او ایجاد می‌شود سبب می‌شود تا وسواس را ترک کند.
3. **کمک از خداوند و گفتن اذکاری مانند:** لا إله إلا الله، لاحول و لا قوه الا بالله و دعای رضیت بالله ربّاً.
4. **تقویت اراده با بی‌توجهی و بی‌اعتنایی به وسواس:** زیرا شیطان متکبر است و با بی‌اعتنایی به او از ما دور می‌شود، و اما هرچه در مقابل او تواضع کنیم از ما خوشش می‌آید و به ما نزدیک‌تر می‌شود.

حدیث یازدهم

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ رَفَعَهُ، قَالَ: **قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ**  **: «مَا قَسَمَ اللّٰهُ لِلْعِبَادِ شَیْئاً أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ؛ فَنَوْمُ الْعَاقِلِ أَفْضَلُ مِنْ سَهَرِ الْجَاهِلِ، وَ إِقَامَةُ الْعَاقِلِ أَفْضَل مِنْ شُخُوصِ الْجَاهِلِ (نشستن و استراحت عاقل از تکاپو و تلاش جاهل بالاتر است)، وَ لَا بَعَثَ اللّٰه نَبِیّاً وَ لاَ رَسُولاً حَتّیٰ یَسْتَکْمِلَ الْعَقْلَ، وَ یَکُونَ عَقْلُهُ أَفْضَلَ مِنْ عُقُولِ جَمِیعِ أُمَّتِهِ، وَ مَا یُضْمِرُ النَّبِیُّ فِی نَفْسِهِ أَفْضَلُ مِنِ اجْتِهَادِ الْمُجْتَهِدِینَ، وَ مَا أَدَّی الْعَبْدُ فَرَائِضَ اللّٰهِ حَتّیٰ عَقَلَ عَنْهُ، وَ لا بَلَغَ جَمِیعُ الْعَابِدِینَ فِی فَضْلِ عِبَادَتِهِمْ مَا بَلَغَ الْعَاقِلُ، وَ الْعُقَلاءُ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ الَّذِینَ قَالَ اللّٰهُ تَعَالیٰ: «إِنَّمٰا یَتَذَکَّرُ أُولُوا الْأَلْبٰابِ».**

پیامبر اکرم فرمود: «خداوند هیچ‌چیزی برتر از عقل به بندگانش عطا نکرده است؛ پس خواب فرد عاقل از بیداری فرد جاهل بهتر است و نشستن و استراحت عاقل از تکاپو و تلاش جاهل بالاتر است. خداوند هیچ پیامبر یا رسولی را مبعوث نکرده مگر این که عقل او کامل بوده و عقل او از عقل‌های همه امت خود برتر باشد. آنچه پیامبر در درون خود پنهان دارد، از کوشش‌های همه کوشندگان برتر است. هیچ بنده‌ای فرائض خدا را ادا نکرده مگر این که از او درک کرده باشد، و هیچ یک از عبادت‌کنندگان به فضیلت عبادت خود به مقام فرد عاقل نرسیده‌اند. عقلای واقعی همان صاحبان خرد هستند که خداوند متعال در قرآن فرموده است: «تنها صاحبان خرد متذکر می‌شوند.»

محورهای اصلی

**«مَا قَسَمَ اللّٰهُ لِلْعِبَادِ شَیْئاً أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ ...»؛** خداوند نعمتی بالاتر از عقل به انسان اعطا نکرده است.

* باید نعمت عقل را بشناسیم.
* این نعمت را شکرگزار باشیم.
* راه شکرگزاری از این نعمت را شناسایی کنیم.
* از کفران این نعمت جلوگیری کنیم.
* از اسراف عقل جلوگیری کنیم به‌گونه‌ای که در مسیر اشتباه از آن استفاده نکنیم.

**«فَنَوْمُ الْعَاقِلِ أَفْضَلُ مِنْ سَهَرِ الْجَاهِلِ...»؛** خواب عالم بالاتر و بافضیلت‌تر از بیداری جاهل است.

احادیث مشابه

پیامبر اکرم در وصیتش به امیرالمؤمنینفرمود: **«یا عَلِیُّ، نَومُ العالِمِ أفضَلُ مِن عِبادَةِ العابِدِ**.» (بحار 2/22)

امام علیشنید مردی از حروریه که تهجد می‌کند و قرآن می‌خواند، فرمود: **«نَوْمٌ عَلَی یَقِینٍ، خَیْرٌ مِنْ صَلَاةٍ فِی شَکٍ.»** (نهج‌البلاغه/97)

**سوال: چرا خواب عاقل از بیداری جاهل برتر است؟**

برتری عاقل بر جاهل واضح است، اما چرا گفته می‌شود که حتی خواب عاقل برتر از عبادت جاهل است؟ این موضوع به دلیل تفاوت در نیت، آگاهی و شناخت است.

**عاقل،** چه در حال عبادت باشد و چه در حال خواب، همواره با علم و بصیرت عمل می‌کند. او از نیت‌ها و اعمال خودآگاه است و هر کارش را در چارچوب معرفت و ایمان به خداوند انجام می‌دهد. حتی اگر بخوابد، به دلیل شناخت عمیقی که از وظایف و جایگاه خود دارد، خواب او نیز در راستای انجام تکالیف الهی قرار می‌گیرد.

**جاهل،** به دلیل نداشتن علم و معرفت کافی، حتی زمانی که در ظاهر مشغول عبادت است، ممکن است از هدف اصلی عبادت غافل باشد و کارهایی انجام دهد که فکر می‌کند عبادت هستند، درحالی‌که آن‌ها بی‌فایده یا نادرست‌اند. عبادات او ممکن است بر اساس خرافات یا عادات باشد، نه از روی آگاهی و نیت خالص؛ بنابراین، به‌جای اینکه این اعمال او را به خدا نزدیک کند، ممکن است بر جهل و گمراهی او بیفزاید.

**نتیجه‌گیری:** عبادت وقتی ارزشمند است که با آگاهی و فهم انجام شود. خواب عاقل، به دلیل آن‌که بر اساس شناخت و برنامه‌ریزی آگاهانه است، حتی در این حالت می‌تواند برتر از عبادات جاهل باشد که بدون علم و درک انجام می‌شوند و از هدف اصلی خود دور هستند.